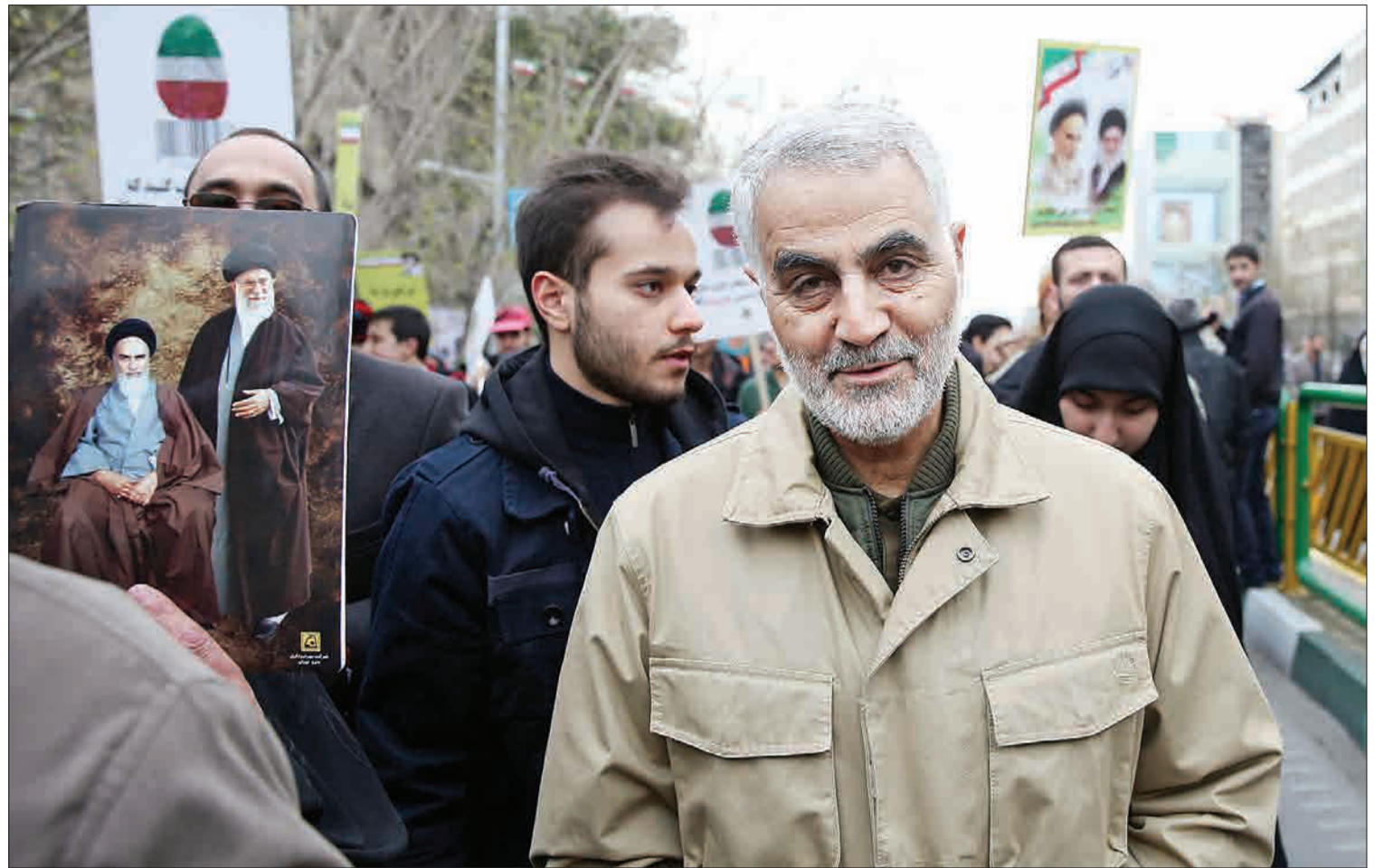


جماران، درباره شخصیت سلیمانی به طور مفصل سخن گفته است. او در بخشی از این گفت‌وگو ویژگی میانجی‌گری و حکم بودن سلیمانی را به خوبی تبیین کرده است: «در موقعیت‌های بسیار حساس و تعیین‌کننده‌ای سعی می‌کرد که گره‌ها را بگشاید. مثلاً برای حل اختلاف بین طیف‌های مختلف سیاسی در استان کرمان، سعی می‌کرد با حفظ احترام نسبت به همه تشکلهای و گرایش‌ها، همین که در مسیر انقلاب هستند و اهداف عالی انقلاب و رهبری را قبول دارند، آنها را به هم نزدیک کند و به فرآیندی برساند که روی امری توافق کنند. بسیاری از استاندارانی که انتخاب می‌شدند با کوشش یا هادایت و درایت ایشان بود که انتخاب می‌شدند و آنها هم به دلیل اینکه حاج قاسم از آنها خواسته بود، با جان و دل همه امکانات خودشان را در اختیار می‌گذاشتند. نمونه آخرش این است که در استان کرمان برای انتخاب استاندار مشکلاتی ایجاد شده بود. کسی که برای آنجا انتخاب شد مهندس رزم حسینی بود که جانشین حاج قاسم در سپاه ثارالله (ع) بود، اما بعد از پایان جنگ به کارهای شخصی پرداخته بود و موقعیت‌های اقتصادی خوبی هم به او رسیده بود. وقتی حاج قاسم به او پیشنهاد کرد به همه موفقیت‌های مالی و اقتصادی پشت پایزه و خودش را در اختیار حاج قاسم و اهداف انقلاب در کرمان قرار داد و مسئولیت استانداری را پذیرفت. اینها نمونه‌های کارگشایی و راهگشایی حاج قاسم در منطقه است که برای حل مشکلات اجتماعی تأثیرگذاری خودش را نشان داده بود.»

### یک زرتشتی برای حاج قاسم گریست

مردمداری ممکن است در زبان ساده باشد، اما در عمل دشوار است. اما حاج قاسم مدلی از شبکه‌سازی و ارتباط با هم‌زمان و مردم را طراحی کرده بود که رسم مردم‌داری‌اش از بین نرود. او سالی دو بار در ایام فاطمیه و ماه رمضان با رفقای دوران جنگ دیدار می‌کرد. به جز این معمولاً سخنران مراسم بزرگداشت شهدای استان بود و در حاشیه این مراسم سعی می‌کرد به خانواده شهدای لشکر ۴۱ ثارالله که سال‌ها فرماندهی‌اش را برعهده داشت؛ سرکشی کند. این دیدارها و رفاقت‌ها اما محدود به رزمندگان و خانواده‌های‌شان نبود. سیدمحمود دعایی درباره این خصلت حاج قاسم گفته است: «در برخورد به مردم طوری بود که همه طیف‌ها و گروه‌هایی که مشکل داشتند، راحت می‌توانستند مشکل خود را با ایشان در میان بگذارند و با سعه صدر، تواضع و فروتنی گوش می‌کرد و وقتی تشخیص می‌داد که ضرورت دارد حمایت کند، سعی می‌کرد در حد توانش حمایت کند. یک نمونه آن را من اخیراً شنیده‌ام که خیلی جالب هم هست. یکی از دوستان گفت در فرودگاه کرمان پروازی بود که بنا بود مسافران حرکت کنند و از سالن فرودگاه اعلام می‌شود که آماده پرواز باشید. مسافران سوار اتوبوسی می‌شوند که آنها را به کنار هواپیما برساند. حاج قاسم هم یکی از این مسافران بود. آقای سروشیان از بزرگان زرتشتیان کرمان است. زرتشتیان در کرمان طایفه محبوب و نجیبی هستند. آدم‌هایی خوشنام، امین و مورد احترام هستند. آنها در عزاداری‌های حضرت اباعبدالله (ع) شرکت می‌کنند، نذری‌دهند و شریک می‌شوند. آدم‌های خوش برخورد و خوش قلبی هستند. سروشیان وقتی می‌بیند حاج قاسم در اتوبوس نشسته، روی شانه ایشان دست می‌گذارد و می‌گوید «حاج آقا ما شما را دوست داریم.» حاج قاسم وقتی او را می‌شناسد، بلند می‌شود، بغلش می‌کند، می‌بوسدش و کنار هم می‌نشینند. بعد می‌پرسد مشکل شما چیست؟ می‌گوید مشکل قضائی داریم و به تهران می‌رویم. ایشان می‌گوید شما تلفن‌تان را بدهید و من می‌گویم یکی از دوستان کمک کند تا مشکل شما حل شود. او هم تلفنش را می‌دهد. روز بعد از دفتر حاج قاسم به سراغش می‌روند، مدارکش را می‌گیرند، اظهاراتش را گوش می‌کنند، دنبال کارش را می‌گیرند و به نتیجه مطلوبی هم می‌رسد. این را یکی از وکلای برجسته دادگستری کرمان، آقای دکتر انوشیروان منشی‌زاده، نقل می‌کرد. گفت، ایشان وقتی از حادثه شهادت حاج قاسم مطلع شد، مثل ابر بهار اشک می‌ریخت. من گفتم: «شما که زرتشتی هستید!» آن وقت او (سروشیان) داستان را نقل کرد. گفت که این مرد با وجود موقعیت و گرفتاری‌هایی که داشت، به درددل یک همشهری زرتشتی‌اش به قدری صمیمانه گوش کرد و به قدری مسئولانه پیگیری کرد که من تا ابد فراموش نمی‌کنم.» دعایی می‌گوید حتی افراد دیگری در کرمان هستند که نسبت به هیچ جریان و گروهی سمپاتی و علاقه ندارند؛ فقط به امر انقلاب و توجه به مردم عنایت دارند. آنها کسانی هستند که در فقدان و شهادت حاج قاسم سوختند. آنها اهمیت و ارزش فراموشی‌بودن را درک می‌کردند. ارزش فقط خدا و مردم را دیدن را درک می‌کردند. یکی از آنها آقای عطاء احمدی، پهلوان معروف کرمان است و دیگران هم فراوان هستند.» برای درک بهتر کنشگری اجتماعی و موثر سردار سلیمانی یک مثال دیگر می‌تواند بیش از پیش این خصلت او را نمایان سازد. همایون صنعتی‌زاده، مؤسس انتشارات فرانکلین در ایران، کارخانه کاغذسازی پارس، سازمان کتاب‌های جیبی و گلاب زهرا یکی از شخصیت‌های موثر اقتصادی و فرهنگی ایران است که در اتفاقات پس از انقلاب مشکلاتی برای او پیش آمد. اما حالا روشن شده که سردار سلیمانی در رفع اتهام از او نقش موثری ایفا کرده است. نکته‌ای که مدیرمسئول روزنامه اطلاعات هم به نقل از محمدحسین کریمی‌پور، فعال اقتصادی تأیید کرده است: «خواندم که ایشان با رئیس انتشارات فرانکلین، آقای صنعتی، رفیق بود. یعنی با اینکه او در حکومت شاه بود و منتسب به آمریکا، ولی حاج قاسم تا همین آخر با او رفیق بود. صنعتی (خداوند رحمتش کند) یک عنصر فوق‌العاده توانمند در برنامه‌ریزی و طراحی بود. تأسیس موسسه (فرانکلین) و مهم‌تر از آن تأسیس شرکت آفست و کارهای خیلی بزرگ دیگر، یادگار او بود. البته او اول انقلاب زیر سوال بود و بازجویی‌ها و برخوردهایی با او شد، ولی به واسطه پاسخ‌های منطقی و مستنداتی که ارائه کرده بود، به این نتیجه رسیدند که نباید تحت تعقیب باشد.» اینها همه نمونه‌هایی است که نشان می‌دهد حاج قاسم سلیمانی به جز آنکه سرداری لایق در عرصه نبرد بوده؛ در حوزه سیاسی و اجتماعی هم نقشی موثر و گره‌گشایانه ایفا کرده است. این را عمل او نشان می‌دهد. □



AP

۴۰ روز از شهادت سردار سلیمانی گذشت

# مردمداری حاج قاسم به مثابه یک روش

شخصیت چند بُعدی حاج قاسم موجب شد تا او فراتر از یک چهره نظامی به چشم بیاید که وظایف عملیاتی‌اش را به خوبی انجام می‌دهد. همان نکته‌ای که در سخنان «ناظم دباغ» هم وجود دارد. اما همیشه رفتارش طوری بوده که انگار من مسئول ایشان و مقام بالاتری از ایشان هستم. کلاً طوری رفتار می‌کند و می‌شنید که اگر او را نشناسید، در یک جمع به هیچ وجه نمی‌توانید پیدایش کنید.»

شخصیت چند بُعدی حاج قاسم موجب شد تا او فراتر از یک چهره نظامی به چشم بیاید که وظایف عملیاتی‌اش را به خوبی انجام می‌دهد. همان نکته‌ای که در سخنان «ناظم دباغ» هم وجود دارد. از نظر هم‌زمان و هم‌استانی‌های سلیمانی، خصلت‌های فردی منحصر به فرد او است که زمینه‌ساز محبوبیتش شده است. همین مناسبات و شناخت موجب شده بود که از زمان جنگ تا همین الان قاسم سلیمانی برای هم‌ولایتی‌هایش «حاج قاسم» باشد و نه «سردار قاسم سلیمانی»

که این توافق صورت بگیرد. اگر صدافتی در کار نباشد، با یک نارنجک در دفتر این دو تشکیلات همه توافقات به هم می‌ریزد و این به لطف سیاست ایرانی‌هاست که اتفاق نمی‌افتد.» ناظم دباغ، سردار سلیمانی را مجاهدی قلمداد کرده بود که در وسط میدان حضور دارد: «سلیمانی درون کاخ نیست، درون هتل‌های مجلل نیست. این طور نیست که بنشیند و دستور بدهد. ایشان همیشه در میدان حضور دارد.» او سپس درباره خصلتی حرف زده بود که هم‌زمان قدیمی حاج قاسم از دوره لشکر ۴۱ ثارالله کرمان به یاد دارند: «خضوع» و «مردمداری» اش. دباغ گفته بود: «سلیمانی خاکی است. نمی‌خواهم و نمی‌توانم مثال‌های امنیتی بزنم تا بهتر ماجرا را بدانید. حتی ممکن است بعضی کردها یا خواندن حرف‌های من بگویند دباغ شده نماینده سلیمانی. برای من اهمیتی ندارد به خاطر اینکه حقیقت را می‌گویم. من با رفت و آمدهایی که به ایران داشته‌ام و با مسئولانی که آشنا هستم، ندیدم هیچ مسئولی به اندازه او خاکی باشد. در سفرهای زیادی با ایشان همراه بودم. اما همیشه رفتارش طوری بوده که انگار من مسئول ایشان و مقام بالاتری از ایشان هستم. کلاً طوری رفتار می‌کند و می‌شنید که اگر او را نشناسید، در یک جمع به هیچ وجه نمی‌توانید پیدایش کنید.»

شخصیت چند بُعدی حاج قاسم موجب شد تا او فراتر از یک چهره نظامی به چشم بیاید که وظایف عملیاتی‌اش را به خوبی انجام می‌دهد. همان نکته‌ای که در سخنان «ناظم دباغ» هم وجود دارد. از نظر هم‌زمان و هم‌استانی‌های سلیمانی، خصلت‌های فردی منحصر به فرد او است که زمینه‌ساز محبوبیتش شده است. همین مناسبات و شناخت موجب شده بود که از زمان جنگ تا همین الان قاسم سلیمانی برای هم‌ولایتی‌هایش «حاج قاسم» باشد و نه «سردار قاسم سلیمانی». مردی که کوشید بیرون از مرزبندی‌های جناحی بایستد و در بسیاری از بحران‌های سیاسی درون استان نقش میانجی و حکم را برعهده بگیرد. حجت‌الاسلام سید محمود دعایی، مدیرمسئول روزنامه اطلاعات به دلیل دوستی و نزدیکی‌اش به سردار سلیمانی، یکی از آن شخصیت‌هایی است که می‌تواند ساعت‌ها درباره منش و روش او سخن بگوید. دعایی در گفت‌وگو با

«شهروند» چهل روز از شهادت سردار حاج قاسم سلیمانی گذشت. در سال‌های اخیر انتشار خبرهای فعالیت‌های سلیمانی در مبارزه با داعش موجب شد تا او بیش از پیش نزد ایرانیان شناخته شود. نگاهی به مطالب رسانه‌های داخلی و بین‌المللی نشان می‌دهد که فعالیت‌های سلیمانی در منطقه خاورمیانه از اواسط دهه ۸۰ شمسی مورد توجه رسانه‌ها قرار گرفته بود و هر بار به بهانه‌ای درباره شخصیت کاریزماتیک او گزارش‌هایی منتشر شده است. اما شهادت سردار سلیمانی فصل جدیدی در کارنامه حاج قاسم سلیمانی گشود. او تبدیل شد به قهرمانی بی‌بدیل که بسیاری از ایرانیان فارغ از هر طیف و سلیقه سیاسی به احترامش کلاه از سر برمی‌دارند. ممکن است عده‌ای بگویند حالا که سردار شهید شده، عده‌ای غلواً می‌زنند درباره‌اش سخن می‌گویند. اما مرور و بازخوانی آنچه هم‌زمان و دوستان نزدیک سلیمانی درباره ویژگی‌های شخصیتی‌اش می‌گویند می‌تواند بخش مهمی از دلایل این محبوبیت کم‌نظیر را عیان کند. آبان‌ماه سال ۹۳ هفته‌نامه همشهری جوان در پرونده‌ای ویژه دلایل شهرت روزافزون و محبوبیت سردار قاسم سلیمانی را بررسی کرده بود. در یکی از مطالب این هفته‌نامه، «ناظم دباغ» نماینده حکومت اقلیم کردستان در ایران درباره قاسم سلیمانی سخن گفته بود. آشنایی او با سردار «قاسم سلیمانی» به روزگاری بازمی‌گردد که نماینده «جلال طالبانی» و اتحادیه میهنی کردستان بوده است. ناظم دباغ درباره سلیمانی گفته بود: «کسی در کردستان نیست که قاسم سلیمانی را بشناسد و از او تعریف نکند. چون صادق است. وقتی قول می‌دهد پای حرفش می‌ایستد. ما هر وقت در اینجا مشکلی داشته باشیم و بخوایم با وزیر یا حتی رئیس‌جمهوری ایران دیدار کنیم، فقط از طریق ایشان می‌توانیم سریع به هدف برسیم. اگر بگویم که ملاقات می‌خواهیم و ایشان بدانند که موضوع ضروری است، همان موقع شرایط را فراهم می‌کنند. ما در کردستان پادگان کومله و دموکرات و تشکیلات دیگر داریم. در مرز ایران هم که پ.ک و پژاک را داریم. ما با ایران و همه کردها توافق کرده‌ایم که نه آنها از زمین‌های ما به ایران حمله کنند و نه ایران از زمین‌های ما برای حمله نظامی علیه آنها استفاده کند. حضور سلیمانی به عنوان نماینده ایران سبب شد

